

" از ماست که بر ماست "

جنايات بیشتر سران رژیم جمهوری اسلامی را برنتابيم، نافرمانی های مدنی را سازماندهی کنیم

مردم زحمتکش و مبارز ایران، آزادگان جوان و توانمند ؛

باند احمدی نژاد- رحیم مشائی و باند علی خامنه ای سروته یک کرباس اند، اینان که تا دیروز هم پیمان و ماموران اجرای دستورات ولی فقیه بودند، و زمین شان از دار دسته ی "حجتیه" و "انتظا ریون" ، آب می خورد، امروز رنگ عوض کرده اند و با علم کردن داستان "اسلام ایرانی" می خواهند مردم بجان آمده از ولایت فقیه را بفریبند و با این مستمسک چند صبحی دیگر به جنایات رژیمشان ادامه دهند، پس فریب این شعبده بازی ها را نخورید و برای رسیدن به یک حکومت غیرمذهبی، سکولار و دموکراتیک که انتخابی مردم ایران است، نافرمانی مدنی را در ادارات، سازمان های دولتی و شرکت های خصوصی سازمان دهید و نگذارید دار و دسته های رنگارنگی که هر روز از کیسه این عوام فریبان بیرون می آید تا مبارزه واقعی مردم را به هرز برده و حداکثر، اپوزیسیونی را که دست پرورده خود آنهاست روی کار بیاورند، شما را از هدف اصلی تان که پایان دادن به نظام ولایت فقیه است، منحرف کنند !

رژیمی که ۳۲ سال است، مردم را از لبخند و شادمانی محروم کرده و با تحمیل رنگ های تیره و تار، می کوشد امید و بالندگی را از زندگی زنان و مردان و دختران و پسران مبارزو میهن دوست ایران بزداید، و با اعدام و زندان و آزار و شکنجه گروه های گوناگون و غارت و چپاول ثروت های بی حساب کشور و واریز کردن آن به جیب دیکتاتور ها و متحجرین رنگارنگی، چون بشار الاسد و... و حساب های شخصی خا نواده های : "... خامنه ای ، رفسنجانی ، محسن رضائی ، لاریجانی ، اسفندیار رحیم مشائی ، هاشمی ثمره ، محسن رفیقدوست ، دانشجو ، حدادعادل ، محسن خرازی ، علی اکبر ولایتی، علی فلاحیان ، طباطبائی ، علی فضلی، حسین طائب ، محمدتقی مصباح یزدی ، حسین شریعتمداری ، صادق محصولی ، ... و پاسدارانی چون : رحیم صفوی ، عبدالمجید رئوفی نژاد ، آجرلو ، مصطفی صفارهرندی ، عبدالرسول رضائی ، احمد وحیدی ، علی اکبر پورجمشیدیان، فتح اله جعفری ، محمد باقر قالیباف ، محمد کوثری، اسماعیل احمدی مقدم ، احمد رضا رادان ، یداله جوانی ، ابراهیم جباری ، مجتبی ذوالقدر ، هدایت اله لطفیان ، یداله مرادی ، محمد رضا نقدی ، حسین همدانی ، جلیل بابازاده ، محمد باقر ذوالقدر و... " ۱ ، اقتصاد کشور را به ورشکستگی و کارگران و زحمتکشان و حقوق بگیران را به فلاکت کشانده است، بی شرمی و وقاحت را به جائی رسانده که مردم را از تشییع جنازه و برگزاری مراسم عزاداری عزیزان و نزدیکانشان نیز محروم می کند و همین دیروز خانم هاله سبحانی را که شجاعانه برای تشییع جنازه پدرش، عزت اله سبحانی، در صف مقدم عزاداران حرکت می کرده ، با

مشت ولگد ارادل و اوباش و مزدورانش، بقتل رسانده است، جائی برای ماندن ندارد و هر روز حکومتش به بهای از دست رفتن شرافت و کرامت انسانی تک تک هموطنان ایرانی تمام می شود، در چنین شرائطی که رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی، بر لبه تیغ سرنگونی حرکت می کند دجالان و عوام فریبانی چون محمود احمدی نژاد و اسفندیار رحیم مشائی و دار و دسته های پاسدارشان در پی آنند که خود را از باند رقیبشان یعنی جناح علی و مجتبی خامنه ای، بهتر بنمایانند و با شعار " اسلام ایرانی " و ادعای این که اسلام آنها برتر و بهتر از اسلام علی خامنه ای است ، چند صباحی دیگر ساده دلان و مردم نا آگاه را فریفته و به نامردمی و چپاولگری شان ادامه دهند ؛

با این وجود آیا راه دیگری جز نابودی این رژیم برای مردم ایران مانده است ؟ بدون تردید ،نه، چرا که دل بستن به هرگونه تغییر مثبتی که این بار گران را از گرده مردم کشورمان بردارد، وقت تلف کردن است، چرا که، از یک طرف، بازی های "موش و گربه" رژیم تا جائی که نظام اسلامی بخطر بیافند، ادامه خواهد داشت و از طرف دیگر دل بستن و دنباله روی از باصطلاح اپوزیسیون داخلی رژیم (موسوی و کربوبی و برخی اصلاح طلبان) نیز با این امید که اینان بتدریج تحول پیدا کرده و روزی با سکولارها و دموکرات های واقعی ، همراه شوند ، همانا آب در هاون کوبیدن است ! پس بر مبارزان راه دموکراسی و رهروان آزادی است که شیوه های مبارزاتی درخور شرائط را به مردم بنمایانند و در این شرائط که رژیم اسلامی تا دندان مسلح است و در بخاک و خون کشیدن مبارزان واقعی ، مروتی ندارد بهترین ابزار ، طرح و تدارک "نا فرمانی های مدنی" و مبارزه ی منفی است؛ مردم صلح دوست و آزادیخواه باید آگاه باشند که نباید هیزم آتش کسانی شوند که با طرح گرایشات میهن دوستانه، کوشش می کنند جوانان ساده دل را بفریبند، و باید بدانند که تنها راه رها شدن از چنگال این دژخیمان، همانا جستجو و بکرسی نشاندن یک نظام سکولار ، غیر مذهبی، غیر ایدئولوژیک و دموکرات است که با احترام به مسلک و مذهب تمامی مردم کشور ،آزادانه ، بوسیله خودشان انتخاب شده باشد و برخورداری از امکانات، داشته ها و ثروت میهن را حق تک تک شهروندان بداند؛ بنا براین باید با توسل به ابزارهای زیر، گره برون رفت ازین بحران را به دست باکفایت مردم گشود :

همانگونه که برخی سیمای جمهوری اسلامی را تحریم کرده اند ،باید این تحریم را به مطبوعات و ابسته به رژیم هم کشاند ؛

با مبادرت به مبارزه ی منفی ،تمامی ادارات، سازمان ها و شرکت ها، بویژه تولیدات نفتی را به اعتصاب دعوت نمود ؛

با انتشار اخبار ،مردم را از واقعیاتی که در کشور می گذرد آگاه نموده و حس همکاری و همبستگی را تقویت کرد ؛

مبادرت به شیوه های کم خطری چون خودداری مردم و کارمندان دولتی از رفتن به کار و در خانه نشستن، در صورتی که بطور گسترده و متحدانه بکار گرفته شود، پیروزمند خواهد بود؛

وبالآخره، زمانی که مردم، متحد و یکپارچه و آگاه، همگی برخیزند، اعتصاب های عمومی، همگانی شود، ساده دلانی که بدنبال شیادان حاکم روانند نیز به آنان پشت کرده و سیل خروشانى بوجود خواهد آمد که بنیان این نظام بیداد را از بیخ و بن بر خواهد آورد، چنین باد.

دوازدهم خرداد ۱۳۹۰ برابر دوم ژوئن ۲۰۱۱

۱؛ به نقل از اطلاعیه "انجمن وکلاء مستقل و سکولار".